



بهانه این بود که دور هم جمع شویم و درباره چالش‌های معلمان دوره‌ی ابتدایی هماندیشی کنیم. هیچ‌یک از کسانی که به این جلسه دعوت شده بودند، در تصورشان هم نمی‌گنجید که از دقیقه‌ی ۱۸ ورق برگرد.

برگشتن ورق از قبیل برنامه‌ریزی شده بود. انتخاب آقای یحیی قائدی به عنوان مدیر جلسه، به این دلیل بود که می‌خواستیم روال عادی میزگردهای تخصصی را که در بیشتر جاهای برگزار می‌شوند، تغییر بدھیم. و نخواستیم از قبیل این تغییر رابه اطلاع مهمانان برسانیم. رویه‌رو شدن با تغییر همیشه سخت است، اما روند جلسه باعث شد بازی جذاب و جذاب‌تر شود.

با توشه‌ای از حرف و دردسل به جلسه آمده بودند و هر کسی دلش می‌خواست در وقتی که به او داده می‌شود، شروع به حرف زدن کند و طبق معمول بگوید، بشنود و برود.

اما ما تصمیم داشتیم روند را تغییر بدھیم. می‌خواستیم، گفت و گو کردن، درست شنیدن و درست گفتن را تمرین کنیم. در خلال تمرین هم به موضوع میزگرد پردازیم.

خلاصه‌ای از این گردهمایی را که در سه بخش انجام شد تقدیم می‌کنیم:

هم‌اندیشی از نوعی دیگر

تهیه و تنظیم گزارش:
زهرا رهرو، لیلا شایانی
عکاس: غلامرضا بهرامی

شرکت‌کنندگان در هم اندیشی



دکتر یحیی قائدی؛
استاد دانشگاه و عضو
هیئت علمی دانشگاه
خوارزمی، فیلسوف،
مدرس و استاد کارگاه‌های
فلسفه برای کودک



۶ محمد ناصری؛
مدیر کل دفتر
انتشارات و تکنولوژی آموزشی،
مدیر مسئول نشریات رشد



۶ مجتبی‌اله همتی؛ معاون
مجلات دفتر انتشارات و
تکنولوژی آموزشی



۶ محمد رضا حشمی؛
سردیر رشد معلم
کارشناس ارشد
آموزش‌وپرورش تطبیقی



۶ علیرضا متولی؛ سردیر
ماهnamه
رشد آموزش ابتدایی



۶ دکتر صفری ملکی؛
عضو شورای تحریریه‌ی
ماهnamه رشد آموزش
ابتدایی



۶ دکتر ابوالفضل بختیاری؛
عضو سابق هیئت علمی
سازمان پژوهش و
 برنامه‌ریزی درسی



۶ دکتر امید زاهدی؛
کارشناس مسئول
انجمن اولیا و مربیان
منطقه ۶ تهران



۶ دکتر حامد صبوری؛
استاد دانشگاه و دکتر در
فلسفه‌ی تعلیم و تربیت،
مشاور در حوزه‌های
مختلف، دبیر سابق و
عضو فعالی انجمن علمی
دانشجویی تعلیم و تربیت
دانشگاه خوارزمی



۶ لیلا شایانی؛ معلم و
مدرس کشوری مطالعات
اجتماعی و ریاضی و
عضو شورای تالیف کتاب
درسی مطالعات اجتماعی
ششم



۶ فر罕از نظری؛
مدیر دبستان و مدرس عالی
و کشوری ارزشیابی توصیفی
و مشاور خانواده‌ی
منطقه‌ی رباط کریم



۶ مریم مردانی؛
کارشناس دوره‌ی
ابتدایی اداره کل
آموزش و پرورش
شهرستان‌های
استان تهران



۶ سید محمد حسینی؛
آموزگار ابتدایی و
سرگرد درسی
با ۲۶ سال تجربه از
منطقه‌ی اسلامشهر



۶ رقیه باباوند؛ معلم
و مدرس کشوری
مطالعات اجتماعی
اسلامشهر



۶ آذر آذری؛ معلم
منطقه‌ی ۴ تهران و
مدرس کشوری
مطالعات اجتماعی



۶ خدیجه جوادیان؛ معلم
ابتدایی و متوسطه‌ی اول
منطقه‌ی اسلامشهر



۶ جلال مقصودی؛ مدیر
دبستان و دارای سوابق
اجرایی چون کارشناس
دوره‌ی ابتدایی و ...

فکرهاي! يک جمله‌اي!

بخش اول

پی‌نمای ۲۰ دقیقه‌ای از نشست بررسی چالش‌های معلمی

در این بخش قرار نیست با همه‌ی آنچه که در سه ساعت نشست ما گذشت، روبه‌رو شوید. فقط بخش‌های پراهمیت آن عرضه می‌شود. و مهم‌ترین اتفاق این میزگرد، تمرین گفت‌وگو به روش اصولی بود. چیزی که گم‌شده‌ی اصلی روابط انسانی است.



نکته‌ی سوم:

باید گوش بدھید.
دقیق گفتن کنترل
می‌شود.
حرف بی‌پشتوانه
نمی‌زنیم، استدلال
می‌خواهیم.
از اشتباه نمی‌ترسیم.

نکته‌ی دوم:

عجله‌ای نداریم برای
اینکه به نتیجه‌ای
برسیم.
یکی از شرایط تربیت
غیرقابل پیش‌بینی
بودن است.

نکته‌ی اول:

هر کسی اینجا هست،
هیچ سمتی ندارد. تعارف
را کنار می‌گذاریم.
آدمی هستیم که داریم
گوش می‌کنیم، واکنش
نشان می‌دهیم و استدلال
می‌آوریم، همه اینجا
هم‌تاز هستیم.

نیازمنجی چالش‌های آموزش در دوره‌ی ابتدایی
بیان مسائل و چالش‌های معلمان از دیدگاه‌های گوناگون
نقد و بررسی چالش‌های بیان شده

حالا به این برد
نگاه کنیم

به‌نظر شما این‌ها چه هستند؟
هر کس به این سه جمله فکر کند و در
یک جمله بنویسد ما در اینجا قرار است چه کار کنیم؟



خانم ملکی

بله، همین که
آقای قائدی فرمودند.

وقت تمام

آقای ناصری، یک نفر را انتخاب کنید.

قائدی: از ایشان بخواهید بگویند
ما در اینجا قرار است چه کار کنیم؟

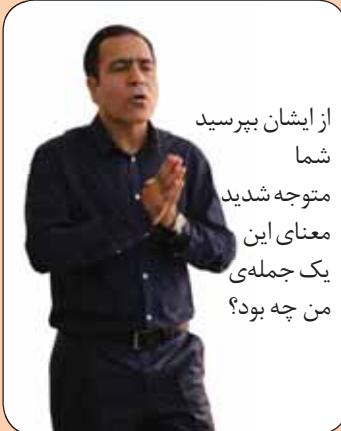


خیر، از ایشان بخواهید بگویند.



من فکر می کنم ما در اینجا جمع شده‌ایم تا چالش‌های
مریبوط به دوره‌ی ابتدایی را از منظرهای گوناگون،
بسته به زاویه‌ی دیدی که هر کدام ازما با توجه
به شغل و درگیری‌مان با موضوع داریم، بیان و
بررسی کنیم. در ضمن...

سرکار خانم ملکی، براساس
این سه جمله که اینجا
می‌بینید، قرار شد در یک
جمله‌ی موجز و کوتاه
بفرمایید ما برای چه اینجا
جمع شده‌ایم؟



از ایشان بپرسید
شما
متوجه شدید
معنای این
یک جمله‌ی
من چه بود؟



آقای مقصودی

خانم ملکی
یک نفر را از جمع
انتخاب کنید.



نمی‌شود
در یک جمله گفت.

آقای مقصودی،
این که شما گفتید،
آیا یک جمله بود؟

شما..... عرض کنم
خدمتتون بررسی
مشکلات دوره‌ی ابتدایی از
زاویه‌ی دید افراد گوناگون
و سمت‌ها و دیدگاه‌های
متفاوت.



شما متوجه شدید
معنای این یک جمله‌ی
من چه بود؟



جمله‌ی خانم ملکی
مسئله‌یابی، تبادل نظر و
ارائه‌ی راه حل بود.

چه کسی می‌تواند
در یک جمله‌ی بگوید منظور
خانم ملکی چه بود؟



چند نفر معتقدند
خانم ملکی این را گفت؟



به این می‌گویند بحران یک

وقتی می‌گویند یک جمله‌ی بگو، یعنی فقط یک جمله‌ی بگو. ما باید در یک جمله‌ی بفهمیم
شما چه می‌گویید. وقتی به ما می‌گویند یک جمله‌ی بگو، اما ما یک عالمه‌ی حرف می‌زنیم،
یعنی خودمان احساس نابسنگی داریم و حس می‌کنیم این جمله‌ی کافی نبوده و هی
همان را توضیح می‌دهیم. این کار قضیه‌ی را پیچیده‌تر می‌کند.
اگر دیگران نفهمیدند در یک جمله‌ی چه گفته‌ید، دستشان را بالا می‌گیرند و می‌برند و
شما به آن‌ها توضیح می‌دهید. حالا چرا یک جمله‌ی؟

وقتی پنج جمله‌ی می‌گوییم، یعنی پنج تا ادعا.

اگر بخواهیم پنج جمله‌ی را بشنویم، باید دست کم ده جمله‌ی استدلالی بشنویم.
بنابراین، اگر بخواهیم در این جلسه به نتیجه‌ی درستی بررسیم، باید آن سه عبارت روش
و واضح، در یک جمله معنا شوند. همچنین، معنایی که به آن رسیدیم، باید چیزی باشد
که همه‌ی حضار همان برداشت را داشته باشند. اگر درد یکسان نداشته باشیم، احتمالاً
نمی‌توانیم بحث را به نتیجه برسانیم، چون هر کسی بحث را از منظری پیش خواهد برد.
این‌ها فقط تمرین بودند. ما برای گفت‌و‌گو به افکار روش و شفاف نیاز داریم و بدیهی
است که ممکن است نتیجه گرفتن در این مسیر زمان ببرد. هیچ ایرادی ندارد که تمام
وقت میزگرد اولمان صرف به تفاهم رسیدن سر موضوع شد. ما نتیجه‌خواهیم گرفت
برای میزگردهای بعدی اصول گفت‌و‌گوی بیشتری را بدلیم. این روغن‌کاری کار ما
را جلو می‌برد. کمی حوصله کنید....



بخش دوم

و بحث همین طور پیش رفت تا
اینکه آموختیم چگونه در یک
جمله‌ی کوتاه نظر خودمان را بیان
کنیم.

دیگر وقت آن رسیده بود که به
موضوع اصلی گردهمایی پردازیم.
دکتر قائدی پیشنهاد دادند همه نظر
خود را در مورد چالش‌های معلمی
در دوران ابتدایی بیان کنند؛ آن هم
در یک عبارت. نتیجه این شد:

مدرسازی معلم



آگاهی ناکافی مربیان



ناکارآمدی تربیت معلم



ارزشیابی کیفی توصیفی



نبود شور و شوق و انگیزه



انتخاب نشدن صحیح معلمان



ارزش اجتماعی و شرایط رفاهی معلم



نبود انگیزه‌ی کافی در میان معلمان



اعتباربخشی به جایگاه معلم در جامعه



ن

بود مشاور محرب و متخصص در مدارس



همراهی نکردن خانواده‌ها با معلمان و نظام تربیتی



استفاده از معلمان غیرمتخصص در آموزش ابتدایی

بخش سوم

نتیجه‌ی ابتدایی هم‌اندیشی

بعد از ثبت نظرات قرار بر این شد که موضوعات بیان شده را دسته‌بندی کنیم. افراد جلسه گروه‌های دونفره تشکیل دادند و پنج دقیقه وقت داشتند تا چالش‌های مطرح شده را دسته‌بندی کنند.

دکتر قائدی: ما فعلًا فقط می‌خواهیم به دسته‌بندی‌ها اشاره کنیم، نه اینکه بدانیم در آن‌ها چه چیزی وجود دارد!

پس از گذشتن دقایقی هم‌فکری، نتیجه روی تخته ثبت شد. تقریباً همه‌ی گروه‌ها نظرشان این بود که این چالش‌ها به دو عامل معلم و سازمان برمی‌گردد. یعنی تعدادی از چالش‌ها مربوط به خود معلم است و تعدادی مربوط به سازمان آموزش و پرورش. پس حالا می‌توانستیم با افق روش‌تری نسبت به دیدگاه‌هایمان بحث را پیش ببریم.

یعنی می‌توانیم موضوع چالش‌های معلمی را از منظر آنچه
به خود معلم
مربوط است بررسی کنیم.

چالش‌های معلمی را از منظر آنچه
به سازمان
مربوط است کنکاش کنیم.

حالا به‌نظر می‌رسد موضوع شفافتر شده است. این طبقه‌بندی به ما کمک می‌کند با تمرکز بیشتر و تخصصی‌تری درباره‌ی موضوع فکر کنیم و در جلسات بعدی، با نگاه دقیق‌تری چالش‌های معلمی را موشکافی کنیم. حالا متوجه شده‌ایم، بدون این روش، مثل میزگردھای قبلی، با دلی پر از حرف می‌آمدیم، می‌نشستیم، می‌گفتیم، می‌شنیدیم و می‌رفتیم. شاید هم دریافته باشیم، بی‌نتیجه بودن هم‌اندیشی‌های قبلی به این خاطر بوده است که روش گفت‌و‌گو، روش استدلال و روش گوش کردن را نمی‌دانسته‌ایم. ما خواستیم راه تازه‌ای را آزمایش کنیم تا خوانندگان هم ببینند و هم سرمشق و الگو بگیرند. در ادامه، چند مقاله‌ی کوتاه را درباره‌ی روش علمی این نشست می‌خواهیم.

این گزارش کوتاه و مختصر ارائه شد. اما نسخه‌ی شنیداری میزگرد را می‌توانید در سایت ماهنامه‌ی رشد آموزش ابتدایی به نشانی www.eb.roshdmag.ir دانلود کنید و بشنوید.

دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان قبل و بعد از هم‌اندیشی

پرسش‌نامه‌ی پایانی جلسه و نظرات تعدادی از شرکت‌کنندگان

ردیف	قبل از هم‌اندیشی	بعد از هم‌اندیشی	یک جمله درباره‌ی این هم‌اندیشی
۱	احساس خاصی نداشتم، فکر می‌کردم مانند جلسات گذشته باشد	مدیریت جلسه عالی بود	چالش‌ها پیشنهادند. آنچه مهم است، طبقه‌بندی چالش‌ها و بررسی عمیق، علمی، دقیق و سنجیده‌ی آن‌هاست
۲	حس می‌کردم وقتمن صرف سخنوری و صحبت کردن حول موضوع خواهد شد	هم‌اندیشی و جلسه‌ی عالی و خوبی بود. بسیار خرسندم که روش نوین دکتر قائدی را تجربه کردم و در این جلسه شرکت داشتم	امیدوارم ادامه پیدا کند و نتایج خوبی در پی‌داشته باشد
۳	جلسه‌ای ارزشمند و کاربردی	همگرایی در تفکر معلمان، خوب گوش دادن برای فهمیدن	
۴	احساس می‌کردم طبق معمول همه به نوبت صحبت می‌کنند و باز یک جمع‌بندی نکارای می‌شود و دیگر هیچ	از متفاوت بودن آن خوش آمد	یاد گرفتیم به مطالعه عمیقاً و خوب گوش کنیم
۵		حسی خوب از فضای گفت‌و‌گو و چالش	درس پژوهی، فرهنگ آموزش در دوره‌ی ابتدایی
۶		مطالب کاملاً برخلاف ایده و نظر بنده ارائه شدند. این کار ابتکار و خلاقیتی حالب به نظر می‌رسد. نکته‌ی جدیدی که توانستم با آن کنار بیایم، به چالش کشیدن چالش‌ها بود. باید بتوانم راحت‌تر با مسائل و سوالات مخالف کنار بیایم و راحت‌تر ایده، نظر و عقیده‌ی خودم را بیان کنم. همچنین باید احساس اعتمادبه‌نفس بیشتری پیدا کنم. با نوع جدیدی از جلسه و طرح چالش روبرو شدم	امیدوارم بتوانم قدمی، هر چند کوچک، به جلو برداریم. شاید مفید واقع شود
۷	آگاهی از چالش‌های بسیار معلمان در تدریس	احساس رضایت از همه‌ی جلسه و هم‌اندیشی تخصصی	حرکت نوآوانه‌ای بود و می‌تواند جریان جدیدی را پایه‌ریزی کند!
۸	احساس می‌کردم باید کلی حرف بزنم	احساس می‌کنم باید درست حرف بزنم	ای کاش تمام صحبت‌ها و جلسه‌ها و هم‌اندیشی‌ها، برای معلمی که در کلاس تدریس می‌کند، قابل اجرا و فهم باشد
۹	نگرانی و استرس زیاد. چون بزرگان و استادان حضور داشتند و نگران بودم من چه خواهم کرد!	بسیار خوب. احساس بسیار خوبی دارم، زیرا خیلی چیزها یاد گرفتیم و امروز مانند دیروز نیست	موفق و پایدار باشید. امیدوارم کمکی باشم در رسیدن شما به هدف بسیار خوبی‌تان

مهارت‌های گفت‌و‌گو

با تأکید بر چالش‌های معلمی و معلمان

دکتر یحیی قائدی

دانشیار دانشگاه خوارزمی

- گفت‌و‌گو مهارتی بنیادی در انسان است. با گفت‌و‌گوست که انسان انسان می‌شود. به سبب گفت‌و‌گو انسان از سایر موجودات متمایز می‌شود. کمال انسان در به کمال رساندن مهارت گفت‌و‌گو در اوست. گرچه گفت‌و‌گو ویژگی اساسی انسان است، اما به خودی خود در انسان پدیدار نمی‌شود و منوط به تربیت است. گرچه زمینه‌ها و استعدادهای گفت‌و‌گو در هر انسانی وجود دارد و گرچه حرف زدن و گپ‌های روزمره برخی ارتباط‌های معمولی را برقرار می‌کنند، اما از ماهیت گفت‌و‌گو بدورند. بهمین سبب، در بسیاری از گرددۀ‌مایی‌ها و نشسته‌های رسمی و غیررسمی و جلسه‌ها مردم و کارمندان تصور می‌کنند دارند گفت‌و‌گو می‌کنند، در حالی که آن‌ها فقط حرف می‌زنند.
- برای گفت‌و‌گو کردن اساسی و انسانی لازم است مهارت‌هایی داشت و پیش‌شرط‌هایی را پذیرفت. آغاز همه‌ی مهارت‌های گفت‌و‌گو گوش دادن است. بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی افراد بشر به دلیل گوش ندادن است. آن‌ها فقط چیزی به گوششان می‌خورد. چنانکه سقراط گفته است، بصیرت حقیقی از درون آدمی می‌جوشد و گفت‌و‌گو برای بیرون کشیدن و استخراج ادراکات مشترک آدمی است. هرچه دیگران گفته‌اند و نوشتند، از درونشان سرچشمه گرفته است و با گفت‌و‌گو می‌توان به آن‌ها دست یافت. در گفت‌و‌گو قرار نیست معلوماتی را که خود درک نکرده‌ایم به دیگران عرضه کنیم، بلکه به دنبال چیزهایی هستیم که نمی‌دانیم. بنابراین، وظیفه‌ی تسهیلگر گفت‌و‌گو یا فیلسفه سازمانی پیشبرد این روند است. برخی مهارت‌های مورد نیاز در گفت‌و‌گو، با تأکید بر اداره‌ی
- برخی نگرش‌هایی که در طول گفت‌و‌گو پرورش می‌یابند، عبارت‌اند از:
- تحميل شنیدن عقاید مخالف
 - احترام گذاشتن به دیگران
 - مراقبت کردن از دیگران
 - همکاری کردن با دیگران
 - تقویت روحیه‌ی دموکراتیک
 - گسترش روحیه‌ی کاوشنگری جمعی
- باور بر این بود که به جای گرداوری و تکرار برخی گزاره‌ها درباره‌ی چالش‌های معلمی، این چالش‌های را به گفت‌و‌گو بگذاریم. برای این کار افرادی انتخاب شدند که هم تجربه‌ی طولانی معلمی داشتند و هم چالش‌ها را در کرده بودند؛ تنها چالش‌هایی که از فرایند گفت‌و‌گو استخراج می‌شوند، چالش‌هایی هستند که عمیقاً در ک شده باشند.

شما نیز از چالش‌ها و مسائل حرفه‌ی معلمی برای ما بنویسید. منتظر نامه‌ها و ایمیل‌های شما در این باره هستیم.

سپاسگزاری:

بدون همکاری و همراهی صمیمانه‌ی این عزیزان، اجرای این گرددۀ‌مایی مقدور نبود.

روابط عمومی: پرویز قراگوزلو، مریم شهرآبادی هماهنگی: محمد رضا جهانبخش، مریم موسوی، ندا برقراری

نذرکات: جعفر جباروند، سید حسین آلداؤد

پذیرایی: ابوالفضل فرهادی، ابراهیم بیگی

حراست: هادی نیک‌پی



نام کتاب: کلاسی از جنس واقعه
 (درس‌هایی که از استاد غلامحسین شکوهی آموخته‌ام)
 نویسنده: دکتر محمدرضا نبستانی
 ناشر: آموخته
 سال چاپ: اول، ۱۳۹۳
 قیمت: ۵۰۰۰ تومان

فان پُخته، راه رشد بچه‌هارا می‌بندد

بخشی از حرف‌های دکتر شکوهی
 در جلسه میزگردک به صورت کلیپ
 پخش شد

کلاسی از جنس واقعه

رسالت معلم آفرینش است؛ آفرینش انسانی از دل خویش، دوباره و از نو. و معلم با آفرینش بر حافظه‌ی تاریخی سیطره‌ی باید و بر اندیشه‌ی بشری حکومت می‌کند. استاد غلامحسین شکوهی، معلمی این چنین و به معنای واقعی کلمه مردمی سراسر نیکی و اندیشه بود؛ دلخاتنه کلاس درس، چرا که می‌دانست آنجا پشت میزهای چوبی ساده‌ی کلاس، جان‌هایی برای شنیدن حق، از شور و اشتیاق شکافته شده‌اند. و برای همین، به گفته‌ی او، تقدیر او را تا وزارت کشاند. اما انگار جای او آنجا نبود و دوباره برگشت به کلاس درس. نزدیک به شصت سال از عمرش را در کلاس درس گذراند و همیشه آرزو داشت جانش را در کلاس تقدیم جان‌آرین کند.

استاد غلامحسین شکوهی، پدر علم تعلیم و تربیت ایران، رستازاده‌ای که از کودکی جانش برای معلمی پر گرفته بود، هنگامی که تنها معلم مدرسه‌ی رستای خوف، آق‌سیدرضا هاشمی، اجازه‌ی می‌داد غلامحسین کوچک به بچه‌ها درس بددهد، بذر عشق در دلش کاشته شد. فقر مدتی او را راه باز استاند، اما نیروی عشق قدرتمدنتر از هر نیروی دیگری، با فقر و نداری جنگید تا آنجا که او را برای فراگرفتن در محض استاندی چون ذبیح‌الله صفا و جلال‌الدین همایی و بدیع‌الزمان فروزانفر در ایران و بعدها بزرگانی چون ژان پیاژه در سوییس نشاند. موضوع درس او در نخستین جلسه‌ی هر کلاس استان زندگی خودش است؛ داستان رهابی و خودشکفتگی و اشتیاق و کشف. می‌کوشد تا خود را عرضه کند و تمام آنچه را به سختی با بندبند وجودش تجربه کرده است.

دکتر غلامحسین شکوهی نخستین وزیر آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران بود. خدمات علمی و فرهنگی ایشان به تعلیم و تربیت ایران فراموش ناشدند است. شاگردانش بیش از یک معلم و معلمی از او آموختند، نام غلامحسین شکوهی، شکوهمندانه بر پیشانی تعلیم و تربیت ایران ماندگار و درخشان است.

کتاب کلاسی از جنس واقعه، به گفته‌ی نویسنده، سعی کوتاه شاگردی کوچک در محض این استاد بزرگ است. می‌کوشد تا استاد را آن‌گونه که شایسته است، تعریف کند. خاطراتی از استاد نقل می‌کند و سخنان و خاطراتی به نقل از استاد می‌گوید تا بتولیم این شخصیت بر جسته دنیای تعلیم و تربیت را بیشتر بشناسیم. مطالعه این کتاب به معلمان گرامی توصیه می‌شود.

برای من جای بسی خوب‌بختی است که فرصتی پیش آمده است تا با جمعی از علاقه‌مندان به مسائل آموزش و پرورش تبادل نظر کنیم. احتمالاً در گفته‌های من نکته‌هایی پیدا خواهد شد که مفید باشد و این هم نتیجه و بهره‌ای است که در دوره‌ی تحصیل از محضر استادان بردام. بعد هم نتیجه ۵۳ سال معلمی من گاهی در مدرسه اشتیاهی می‌شود:

بچه‌های ما روش تحقیق را یاد نمی‌گیرند، بلکه نتایج تحقیقات دیگران را حفظ می‌کنند. در واقع بانان پخته‌ای که ما به بچه‌ها می‌دهیم، راه را بر رشد آن‌ها می‌بندیم. معلمان ما بچه‌هارا کول می‌کنند و می‌برند. من نمی‌خواهم بچه‌ها را کول کنم و ببرم، می‌خواهم به آن‌ها راه رفتن بیاموزم و وقتی آن‌ها راه رفتن یاد گرفتند، گاهی از ما جلو می‌زنند.

از اینکه نتایج تحقیقات دیگران را جویده و شسته رفته به بچه‌ها بدھیم، بپرهیزیم و راه را بر تحقیقات شخصی آن‌ها باز کنیم.

در روشی که مابه‌کار می‌بریم، بچه‌های ما خیلی زحمت می‌کشند، ولی کم نتیجه می‌گیرند. علت اینکه تعلیمات مابا کافی ندارد این است که بچه‌ها حفظ می‌کنند، حال آنکه خلاقیت باید به کار گرفته شود.

چرا موجبات این را فراهم نمی‌کنیم تا معلمان جوان ما یا دانشجو معلمان، درس‌های معلمان خوب ما را ببینند؟ باید این طور باشد. باید آموزش و پرورش امکانی فراهم کند تا جوان‌ترها این کلاس‌ها را ببینند. این‌هایی که زیر دست من و شما هستند، خیلی چیزها می‌توانند بدانند. تأییدشان کنید تا ببینید چگونه اعجاز می‌کنند از بچه‌ها مسئله‌ای بدھید و بعد بگویید مثل آن را بسازند. بچه‌ها می‌توانند بسازند. مسئله‌های یکنواخت بچه‌ها را مامشینی می‌کنند.

می‌گویند عجله داریم. آخر چه عجله‌ای داری کتاب را تمام کنی؟ کتاب را اسفند تمام می‌کنی و تا شب امتحان باید کلاس تشکیل شود. نه در دانشگاه باید اینطور باشد، نه اینجا. روش غلط است.

ما مجال لذت بردن را از بچه‌ها گرفته‌ایم و در فیض بردن را به روی آن‌ها بستاییم.

ما می‌خواهیم به آن‌ها چیزی یاد بدهیم که معصوم(ع) می‌فرماید: «تفکر ساعه افضل من عبادة سبعین سنه».

و از همه بدتر این امتحانات تستی هستند که به فوق لیسانس هم کشیده شده‌اند؛ امتحان ورودی با تست! با تست سوال کردن که شما چیزی را نمی‌توانید بسنجید؛ فقط دانش سطحی را می‌سنجید. ما با امتحانات سطحی یادگیری سطحی را ترویج می‌کنیم. غیر از این باید بود. آموزش باید متحول شود.